بسم الله الرحمن الرحیم

خبر واحد

بحث انسداد

تنبیهات انسداد

استاد آیت الله عندلیب همدانی

جلسه صد و شصت و هفتم\_19 اردیبهشت 1400

[پاسخ شیخ به اقوال در مسأله]

من دو مقدمه را ابتدا عرض می کنم که این دو مقدمه در بحث امروز بسیار مفید است و خود دو مقدمه هم اساسا بما هما هما دو مقدمه مفید هستند، علاوه بر این که در بحث ما تأثیر دارد.

مقدمۀ اول؛

شما مباحث خبر واحد را گذرانده­اید، در مدرک حجیت خبر واحد یک مبنا رجوع به ادلۀ لفظیۀ تأسیسیة است، یعنی کاری با بناء عقلا فرموده است نداریم شارع فرموده است، العمری ثقة و قس علی هذا روایات دیگر.

این روایت دیگر دلیل مستقل شرعی تأسیسی در حجیت خبر واحد هستند، این مبنا مخدوش شد و نتیجه این شد که اگر هم دلیل لفظیه­ایی بر حجیت خبر داشته­باشیم، امضائی است، نه تأسیسی. منتهی خب آن یک مبنا بود که در نظرتان باشد.

مبنای دوم این که اس و اساس مدرک را برای حجیت اخبار آحاد ارتکازات و سیر عقلائیه می­گیرد، که گاهی از این تعبیر می­شد به اجماع عملی بر حجیت اخبار آحاد، و اگر دلیل لفظی­ایی هم در این بین باشد، تأکید و امضاء همین سیرۀ عقلائیه است. این دو مبنا.

مبنای سوم اگر یادتان باشد گروهی برای حجیت خبر واحد، از راه دلیل عقلی پیش آمدند و این که ما علم اجمالی داریم به صدور جلی از روایات کتب معتبرة واین علم اجمالی منجز است و غیر منحل، و حکم به لزوم احتیاط می کند، و از باب احتیاط و عمل به علم اجمالی به روایات مراجعه می کنیم. این طریق مفصل مورد نقد است ولی خب خودش یک طریقی دارد.

مبنای چهارمی داشتیم که ما انشعابی از همین مبنای چهارم بودیم و آن این که دلیل خاصی بر وجوب عمل به خبر واحد بما هو خبر واحد یعنی بدون قرائن و شواهد نداریم، بلکه تنها دلیل رجوع به خبر، ثبوت تکلیف است و انسداد باب علم و از باب تطبیق مقدمات انسداد، رجوع به اخبار می­کردیم که البته این جا ما راه دیگری را پیمودیم به نام اضطرار که دیگه می نامید.

این مقدمۀ اول.

مقدمۀ دوم

وقتی گفته می شود عمل به خبر واحد، مراد از عمل چیست؟ در اخبار فقهیه مقصود و منظور از عمل معلوم است. امّا در غیر أخبار فقهیه مراد از عمل چیست؟ آیا اگر ما صدق العادل را داشتیم که بر طبق آن باید به خبر واحد عمل کنیم ولی مضمون خبر واحد از فروع اعتقادات بود، که علم به آن­ها پیدا کردن لازم نبود، آیا می­توان گفت عمل به این روایت، یعنی اظهار تدین به این روایت؟ یعنی اقرار و اعتراف به مضمون این روایت؟ یعنی ایمان خود را به قول و عمل نشان دادن؟ آیا می توان این اظهار ایمان و اظهار تدین را به مضمون یک خبر به معنای عمل به آن خبر گرفت یا نه؟

حال در بحث خودمان، آنچه تا دیروز بر آن تأکید می­شد این بود که علماء بزرگوار ما متفقا می­گویند به ظنون از جمله به اخبار آحاد، نمی­توان در اصول دین، تأویل و استنادی داشت، و فقط بعضی از غافلان اصحاب حدیث اعتماد به حدیث در اصول دین کرده­اند. و حتی ظن حاصل شده از خبر صحیح، در مثل تفاصیل و فروع برزخ و معاد لازم نیست و تصدیق به آن­ها هم واجب نیست. هر چیزی را که می­دانستم علم داشتم اعتقاد پیدا می کنم، ابرازش می کنم، هر چیزی را که نمی­دانستم حتی ظن حاصل شدۀ از خبر صحیح السند در آن بود، چون علم ندارم توقف. این حرف حضرات بود.

حال با توجه به آن مقدمات شیخ می فرماید مبنای خودت را به من بگو، در باب مدرک حجیت خبر واحد، اگر انفتاحی هستی، نه انسدادی، و آن ادلۀ مذکوره را در باب حجیت خبر واحد یا همه­اش را یا بعض را پذیرفته ایی و باب علم را مفتوح می دانی، چه فرق است بین یک خبر صحیح وارد شده در فروع فقهیه، یا یک خبر صحیح وارد شده در فروع الاصول. وقتی شما می گویی خبر واحد حجت است، باید به آن عمل کرد، العمل فی کل شیء بحسبه. در روایتی که وجوب فقهی را بیان می کند در یک امر، عمل یعنی انجام آن واجب، اما در این جا که یک فرعی از اصول را بیان می کند، عمل یعنی همان که گفتم اقرار، اعتراف، ابراز، اذعان به صحت مضمون و پذیرش مضمون.

شما یا بگویید الخبر الواحد لیس بحجة یا بگویید عمل فقط منظور عمل فقهی است، چه دلیلی دارید؟ اگر یک روایتی صحیحة السند است، ابراز ایمان به آن مضمون و ابراز تدین به معنای آن آیا نوعی عمل نیست؟ آیا نوعی از صدق العادل و تصدیق عادل نیست؟

این بنابراین که دلیل حجیت خبر واحد ادلۀ لفظیه باشد.

اما اگر گفتیم ما انسدادی هستیم، از باب انسداد و تطبیق مقدمات انسداد سراغ خبر می رویم، چون احتیاج داریم، چون نمی شود تکالیف را یله و رها باشیم و راه به جز خبر واحد نداریم، سراغ خبر واحد می رویم، هر جا شما بحث از تکلیف به واقع داشتید، سراغ خبر واحد می روید، که اگر آن تکالیف را عمل نکنید، اساس عمل به دین­تان مخدوش می شود، نمی شود خود را یله و رها از تکلیف مربوط به صوم و حج و خمس رها کنید، آنجا بله. اما در فروع الاصول که اصلا تکلیف به علم نداریم چه دلیلی داریم به سراغ خبر واحد برویم و اذعان به مضمونش بکنیم؟

پس اگر انفتاحی شدیم قصه فرق کرد ولی اگر انسدادی شدیم با سخن آن اعاظمی که می گویند، عمل به ظنون در فروع الاصولی که تحصیل به آن ها لازم نیست، عمل هم لازم نیست، با آن­ها همراه می شویم اما اگر انسدادی باشیم، نه انفتاحی.

**او یقال ان عمدة ادلة حجیة اخبار الآحاد، و هی الاجماع العملی، لا تساعد علی ذلک**

اینکه آیا اجماع قولی بر حجیت خبر واحد داریم یا نه، بحثش گذاشت، عده ایی سراغ سیره رفتند، سیره عقلاء سیرۀ علماء بر عمل به خبر واحد، و از بیان شیخنا الطوسی در عده مفصل برایتان این سیره و اجماع عملی را برایتان باز کردیم که از دیرباز به این اخبار عمل می شد، اگر دلیل اجماع عملی بود، باز هم قدر متیقن از این اجماع عملی اخبار آحادی است که در فرع الفروع آمده است، این اجماع اخبار آحادی را که در مورد اعتقادات باشد، نمی گیرد، چون دلیل لبی است و قدر متیقنش باید اکتفا کرد.

[خلاصۀ فرمایش شیخ]

مجموع فرمایش شیخنا الانصاری را اگر بخواهیم در یک جمله بیان کنیم این است که اگر ما مدرک مان در حجیت خبر واحد ادلۀ لفظیه بود، چنان که گفتیم و انفتاحی تکیه کنندۀ بر ادلۀ لفظیه بودیم، می گفتیم این ادلۀ لفظیه اطلاق دارد، هر عملی را به هر خبر معتبری شامل می شود. چه عملی از سنخ عمل فقهی، چه عملی از سنخ عمل اعتقادی و ابراز اعتقادات اما اگر انسدادی شدیم، فقط در محدودۀ اخبار فقهی است و اگر هم انفتاحی شدیم ولی مدرک حجیت خبر واحد دلیل لبی می گرفتیم، باز هم مثل انسدادی خواهیم شد باید به قدر متیقن اکتفا کنیم و آن فروع الفروع است نه فروع الاصول که تحصیل علم در آنها لازم نیست.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.